

گفت‌وگو با دارا دارایی و حمزه یگانه، ۲ عضو گروه «داماهی»

مخاطب بسیار مهم است امانه به اندازه خود موسیقی



ضمن اینکه سازهای دیگر مثل پیانو و بیس هم می‌نوازد.

دارایی: نکته دیگر تکنیک بالا و شناخت استایل‌های مختلف است. همچنین او به خوبی سازش را ص‌ب‌رداری کرد که این نکته وجه تمایز اصلی شایان با دیگران است. به هر حال در دوره «درامز کالکتیو نیویورک» شرکت کرده و این تأثیر زیادی در حرفه‌ای‌شدنش داشته است.

❖ **یکی از آفت‌های موسیقی ایران و البته مخاطبان، پیروی از مد است.** برای مثال موسیقی تلفیقی مد شده بود و در ابتدا یک ارزش محسوب می‌شود و مخاطب هم از این روند پیروی می‌کند. چند سالی است که گروه‌های زیادی سراغ استفاده از موسیقی جنوب رفتند. روندی که شاید با پویا محمودی و گروه باراد آغاز شد و بعد از آن سهیل نفیسی، دارکوب، گمانا، کاکوبند و داماهی در حال ادامه‌دادن تجربیات اینجینمی هستند. حتی ابراهیم منصفی هم روزبه‌روز شناخته‌تر می‌شود. به نظر شما دلیل به‌وجودآمدن چنین پدیده‌ای چیست؟

یگانه: شاید دلایل جامعه‌شناسی زیادی وجود داشته باشد. برای من تنوع ریتم‌های جنوب بسیار جذاب است و این در نقاط دیگر ایران وجود ندارد. همچنین ریشه آفریقایی در این ریتم‌ها وجود دارد که در موسیقی‌های مختلف جهان تأثیر گذاشته است. برای مثال با تأثیرش در موسیقی لاتین سبک «آفرولاتین» پدید آمده است. حتی موسیقی جز هم به نوعی وام‌دار این ریشه آفریقایی است. در ایران هم ریتم‌های جنوبی و بلوچی برای من که به سبک جز علاقه دارم، جالب توجه است. شاید دلیلی هم در بخش کلامی برای کشش من وجود داشته باشد که مرتبط با ابراهیم منصفی است. منصفی جدای از شاعر بودن، آهنگ‌ساز هم بود و همین باعث شده تا شعرهایش بسیار آهنگین باشد و این بسیار اهمیت دارد. لهجه جنوبی هم بسیار انعطاف‌پذیر و ریتمیک است. کار روی کلام فارسی به نسبت لهجه‌های محلی دشوارتر است.

دارایی: من جواب واضحی برای این سؤال ندارم و در واقع دلایلش را نمی‌دانم. اما در رابطه با داماهی تا حتی دارکوب انگیزه بیشتر موزیکال است. تنها برای جذب مخاطب بیشتر و پیروی از مد باعث نشد که ما سراغ این تجربه برویم. به نظر حتمی اگر به‌دنبال مد هم چنین جریان‌ی اتفاق افتاده باشد و خروجی‌های باکیفیت در آن کم باشد، باز هم جریان مثبتی است که باعث شناخته‌شدن این موسیقی و کسی مانند منصفی می‌شود. در رابطه با خودم نکته جالبی وجود دارد؛ چند شب پیش داشتم آلبوم «مه‌ر» ساخته پویا محمودی را گوش می‌دادم که ناگهان فهمیدم دلیل کشیده‌شدن من به این موسیقی همین آلبوم است و همان لحظه هم به پویا پیام دادم. نفوذی که موسیقی جنوب دارد شاید به دلیل باورهای خاصی باشد که اهالی جنوب دارند و همین باعث می‌شود خیلی عجیب ساز بزنند. شاید بتوان از نظر پزشکی تأثیر موسیقی را که در مراسم

❖ **نکته مهمی در کارهای ما و گروه‌های دیگری مثل «باراد» یا «آویژه» و خیلی‌های دیگر وجود دارد که درواقع یک موسیقی قدیمی را با استفاده از آلمان‌ها و حتی سازهای دیگر به زمان حال پرتاب می‌کنیم. این اقدام مهمی است و ما اگر بتوانیم این کار را درست و باکیفیت انجام دهیم درواقع در رسالت خود کمک‌کاری نکرده‌ایم. نکات دیگر را باید دولت پیگیری کند و نگذارد که موسیقی اصیل از بین برود**

«زار» اجرا می‌شود، روی ذهن بررسی کرد.

❖ **در روند شکل‌گیری داماهی و رویارویی شما با موسیقی جنوب فقط لذت و تجربه کار روی این موسیقی مهم بود یا اینکه قصد آشکاردن مخاطب عام با این نوع موسیقی را داشتید؟**

یگانه: من همیشه در کنار سبک‌هایی مثل پراگسوراک و جَز به موسیقی بلوچی هم علاقه داشتم و حتی یک سبویت براساس این موسیقی نوشتم که موضوع پایان‌نامه دانشگاه‌امی بود. فضای کاری در داماهی خیلی به موسیقی‌های مورد علاقه من و به‌خصوص بلوچی نزدیک بود و توانستم کارهایی را که همیشه دوست داشتم، دنبال کنم.

دارایی: در مرحله دوم مخاطب مطرح می‌شود. ابتدا بحث لذت‌بردن خودمان از موسیقی مطرح می‌شود و بعد به دنبال بازی با مخاطب می‌گردیم. یگانه: خب ما همیشه دوست داریم کاری که انجام می‌دهیم، مخاطب داشته باشد و بی‌فایده نباشد. کارهای زیادی می‌توان انجام داد ولی وقتی مخاطبی در کار نباشد برای من جذابیتش از بین می‌رود. دوست دارم هم کار موردعلاقه‌ام را انجام دهم و هم اینکه کمکی به جریان موسیقی باشد و مخاطب خود را پیدا کند. ❖ **اما اینجا میزان مخاطب مهم می‌شود. شما تجربه‌های بیشتری در موسیقی جز دارید ولی این موسیقی طرفدار و مخاطب زیادی در ایران ندارد. در گذر زمان این موضوع باعث شده که شما به سمت کارهایی با مخاطب بیشتر حرکت کنید؟**

یگانه: دوست دارم که مخاطب داشته باشم ولی نه به‌گونه‌ای که از سبک شخصی و موردعلاقه خودم دور شوم. الگوهای ذهنی در من وجود دارد که به خاطر مخاطب از آن دور نمی‌شوم.

دارایی: موافقم. به مخاطب فکر می‌کنیم ولی نه تا حدی که مسیر موسیقایی دلخواه خودمان را کم کنیم.

❖ **اسطوره‌های موسیقی محلی هرروز از دنیا می‌روند و این موسیقی نادیده گرفته می‌شود. با این روند آیا ممکن است چندسال دیگر برداشت مردم از موسیقی اصیل جنوب عوض شود و فکر نکنند چیزی که گروه‌هایی مانند شما ارائه می‌کنند موسیقی اصیل جنوب است؟ چنین خطری وجود ندارد؟**

یگانه: موسیقی محلی تخصصی‌تر است و مخاطب خاص دارد. در نقاط مختلف دنیا دولت‌ها هستند که حافظ این آثار هستند. موسیقی محلی سرمایه ملی محسوب می‌شود. در رابطه با داماهی هم شاید حتی مخاطب فقط برای

هنر نگار

چهارشنبه در شهر فرش

شرق: شهاب حسینی در آیین رونمایی از فیلم «چهارشنبه» که در آن ایفای نقش کرده، از علاقه‌مندی‌اش به انجام کاری به سبک گذشتگان صحبت کرد. جمعه‌شب در آیین رونمایی فیلم «چهارشنبه» که با حضور بازیگران سینما، تئاتر و تلویزیون و همچنین اصحاب رسانه و اهالی فرهنگ نقد و بررسی فیلم با حضور علی علایی منتقد سینما و مصطفی مهرآیین جامعه‌شناس برگزار شد. مصطفی مهرآیین درباره این فیلم که ماجرای یک تراژدی اجتماعی را روایت می‌کند، گفت: جامعه امروز درخصوص مسائل فرهنگی نیازمند ارائه محصولات فرهنگی‌ای است که به تبیین مسائل به صورت عمیق بپردازد. علی علایی، منتقد سینما نیز فیلم چهارشنبه را فیلمی دارای داستانی اجتماعی دانست و گفت: قصه فیلم روایتی روان است که روش مواجهه بازیگران با این رخدادها، جذابیت این داستان را بیشتر کرده است. این فیلم مراحل فیلم‌برداری خود را به پایان رسانده و تدوین آن نیز نهایی شده است و برای نخستین‌بار با حضور شهاب حسینی، بی‌تا فرهی و جمعی از اهالی فرهنگ اکران شد. سروش محمدزاده درباره داستان اولین فیلم بلندش گفت: شاید هیچ‌کدام نمی‌دانستند اتفاقی می‌افتد که چهارشنبه را برایشان روزی متفاوت کند. نگارش «چهارشنبه» از اوخر بهار تا تابستان ۹۳ به‌طول انجامید و در آذر امسال تولید آن را در تهران آغاز کردیم. کارگردان فیلم «چهارشنبه» خاطرنشان کرد: در این فیلم، شهاب حسینی حضور متفاوتی دارد و نسیم ادبی، بازیگر تئاتر هم به‌همراه هستی مهدوی‌فر از دیگر بازیگران فیلم هستند و آرمان درویش، بازیگر جدیدی است که با «چهارشنبه» به عرصه تصویر معرفی می‌شود. شهاب حسینی، بازیگر سینما و تلویزیون پس از پایان مراسم در جلسه نقد و بررسی این فیلم گفت: «همیشه دلم می‌خواست که ما هم به سهم خودمان یک کار به سبک گذشتگان به جای بگذاریم».

❖ **برای اینکه از بحث دور نشویم؛ پس شما فکر می‌کنید این روند ضربه‌ای به موسیقی اصیل محلی نمی‌زند و باعث سو‌برداشت از آن نخواهد شد؟**
یگانه: موسیقی محلی هم شاید مانند دریاچه ارومیه باشد که بسیار مهم است و اگر سهل‌انگاری شود از بین می‌رود. اما مثالی می‌زنم تا بحث روشن شود. گروه پراگرسو راک «ELP» آلبومی منتشر کرد با نام «pictures at an Exhibition» که باعث مطرح‌شدن «موسورسکی»، آهنگ‌ساز قرن ۱۹، شد. بعضی این عمل را خیانت به موسیقی کلاسیک دانستند ولی خیلی از افراد با این آلبوم توانستند با کارهای کلاسیک آشنا شوند. حالا اگر کسی به موسیقی «داماهی»، رویکرد مثبت داشته باشد شاید سراغ موسیقی اصیل جنوب برود و با آن هم آشنا شود.

دارایی: نکته مهمی در کارهای ما و گروه‌های دیگری مثل «باراد» یا «آویژه» و خیلی‌های دیگر وجود دارد که درواقع یک موسیقی قدیمی را با استفاده از آلمان‌ها و حتی سازهای دیگر به زمان حال پرتاب می‌کنیم. این اقدام مهمی است و ما اگر بتوانیم این کار را درست و باکیفیت انجام دهیم درواقع در رسالت خود کمک‌کاری نکرده‌ایم. نکات دیگر را باید دولت پیگیری کند و نگذارد که موسیقی اصیل از بین برود.

❖ **به نظر شما داماهی توانایی شنیده‌شدن در جهان را دارد؟ یا فقط مخاطب ایرانی می‌تواند با آن همراه شود؟**

یگانه: در بخش جهانی فرم اهمیت زیادی دارد. اگر موسیقی‌های محلی با فرم مشخص ارائه شوند قابلیت جهانی‌شدن پیدا می‌کنند. از این منظر موسیقی داماهی قابلیت حرکت در جشنواره‌های «World music» را حتی جَز را دارد. در مورد مخاطب داخلی برای خودم هم جالب است بدانم که چه افرادی را چه دلایلی از آلبوم استقبال کردند.

❖ **زبان فارسی برای مخاطب جهانی عامل بازدارنده نیست؟**

یگانه: برای من به‌عنوان موزیسین، زبان یک موسیقی خاص است. درواقع ریتم کلمات و نحوه ادای زبان عامل جذب من می‌شود.

دارایی: دقیقاً نکته بسیار مهمی بود. برای مثال وقتی رضا کولغانی و ابراهیم علوی شروع به حرف‌زدن می‌کنند، من جذب این ریتم گفت‌وگو می‌شوم.

یگانه: یکی از دلایل پرسفت موسیقی در ایران پخش‌شدن زبان‌های دیگر از صداوسیماست. این عمل به‌نوعی شباهت دارد به اینکه اجازه ندهند موسیقی را گوش کنید. من گاهی یک کانال خارجی نگاه می‌کنم فقط برای اینکه زبان‌شان را گوش کنم. حتی بدون اینکه هیچ دریافت معنایی از آن زبان داشته باشم، به نظرم اگر قرار است ما موسیقی جنوب را وارد کارمان کنیم باید تا حدی به زبان‌شان هم آشنا باشیم و موسیقی آنها را زیاد گوش داده باشیم.

❖ **برخی از قطعات آلبوم اشعاری دارد که برای مخاطب داخلی هم قابل فهم نیست و اگر کسی اهل جنوب نباشد شعر را دریافت نمی‌کند. این موضوع باعث جدایی و فاصله‌انداختن بین آلبوم و مخاطب نمی‌شود؟**

دارایی: اصلاً به چنین چیزی فکر نکردیم که ممکن است مخاطب معنا را نفهمد. خودمان بدون اینکه شعر را دقیق بدانیم معنا را متوجه می‌شدیم.

همین که در شعر می‌گوید «گوشواره‌اش طلاست» برای ما کافی بود (خنده دسته‌جمعی).

یگانه: حتی من تفسیرهای شخصی خودم از بعضی کلمات را داشتم (خنده). دارایی: خیلی‌ها به ما گفتند این کار اشتباه است و مخاطب اگر شعر را نفهمد آلبوم را پس می‌زند. اما من یقین دارم بیشتر کسانی که آلبوم را دوست دارند با قسمت‌هایی که توجه‌نشدند ارتباط بیشتری گرفتند و لذت بردند.

❖ **چرا رضا در برخی از قطعات که موسیقی نزدیک به جَز دارد از شبویه خوانش پاپ استفاده می‌کند؟ درحالی‌که به نظر می‌رسد آمادگی و توانایی خواندن به سبک جَز را دارد؟**

یگانه: من جز شدن یا نشدن یک آهنگ را بیشتر در بخش هارمونی می‌بینم، نه ملودی. هیچ‌گاه یک جز استاندارد که خواننده خط ملودی به سبک جز می‌خواند برپایم جزدان نبوده است. اما ممکن است روی ملودی یک آهنگ عادی مثل «تولدت مبارک» هم هارمونی جَز تصور کنم.

دارایی: به نظرم آهنگ «صد» بیشترین نزدیکی را به سبک جز دارد و اتفاقاً فکر می‌کنم در این آهنگ، رضا مانند قطعات دیگر عجین نشده است. در این مقطع رضا با تمام توانایی‌ای که در کاراکتر خواندنش دارد باید خیلی بیشتر تلاش کند تا استایل‌های دیگر را بخواند.

❖ **روی پروژه‌های شخصی دیگری کار می‌کنید؟**

یگانه: یک آلبوم به‌همراه ماهان میرعب و کاوه سروریان آماده انتشار داریم که خیلی حال‌هوهای ایرانی و آکوستیک دارد. یک پروژه نیمه‌کاره هم وجود دارد که در راستای تک آهنگ «گفت‌وگو» است. سبک تلفیقی و جز دارد که خیلی تکنیکال است. به‌نوعی برای خودم آزمایش تکنیکی بود که حالا در بخش نوازندگی درام مشگل داریم.

دارایی: به غیر از گروه‌هایی که به‌عنوان نوازنده فعالیت می‌کنم هیچ پروژه‌ای ندارم و تمام تمرکزم را روی داماهی گذاشته‌ام.

❖ **روی آلبوم بعدی داماهی کار می‌کنید؟**

دارایی: بله، سعی می‌کنیم ایرادهای قبلی را برطرف کنیم و علاوه بر موسیقی جنوب به سمت نقاط دیگری از ایران هم حرکت کنیم. همچنین با افراد جدیدی هم احتمال همکاری وجود دارد.

❖ **«شو» کلمه برگزاری در آلبوم بود. معنی خاصی دارد؟**

زنده‌دگرم.

روزنه آبی

چند سطری درباره نمایش «در پروازهای خروجی بود که کم‌شد ریحانه» نوشته و کار مهدی مشهور

دوهوایی‌شدن در لندن و تهران

رضا آشفته

نمایش «در پروازهای خروجی بود که کم‌شد ریحانه»، درباره دلتنگی‌های رایج انسان، غریبگی و در وطن خویش بیگانه‌شدن، دوهوایی‌شدن، گریز از خود و مهاجرت است؛ یعنی تلفیقی از مضامین و ایده‌ها، بن‌مایه اصلی این نمایش را می‌سازد. براساس این ایده است که دو بازیگر زن در سالن ارغنون تئاتر بازی می‌کنند که نوعی فاصله‌گذاری در آن تکرار می‌شود که بیانگر اجرای بدون چون‌وچرای آن خواهد بود؛ اینکه بازیگران در زمان اجرا رو به اتاق نور و صدان آق‌ای مشهور را صدا می‌کنند که کجا بایستم و چه می‌خواهم و چه بکنم! این قطع‌شدن اجرای تئاتر و اشاره به فضای تصنعی حاکم بر صحنه ما را متوجه اجرایی می‌کنند که در آن ریخت و بن‌مایه‌ای در حال جفت‌بوست یافتن است. درواقع تئاتر هم در برخورد این دو است که ما را بیشتر درگیر تئاتر خواهد کرد. نمایش «در پروازهای خروجی بود که کم‌شد ریحانه»، دو شخصیت اصلی دارد. یکی ریحانه‌جاهد (حیدث میرامینی) و دوم‌ی ریحانه شریف (شیوا مسعودی) است. این دو در وطن و خانه خویش احساس دلتنگی و گریز دارند؛ بنابراین به دنبال کوچ و مهاجرت هستند اما در کشور بیگانه نیز همچنان احساس دلتنگی دارند و دوست دارند که به موطن خویش برگردند. جاهد دلش می‌خواهد یک آموزشگاه زبان باز کند که در آن به همه زبان انگلیسی یاد بدهد؛ با این هدف که وقتی به خارج از ایران می‌روند با دهان باز و لال نایستند. او لندن و تهران را زیبا می‌بیند؛ هر دو را دوست دارد اما آرام و قرار ندارد. اما ریحانه شریف دلش می‌خواهد به جایی دیگری برود ببرد که دخترش در آنجا متولد شود. او می‌خواهد دخترش بحرانی در زندگی‌اش نداشته باشد. او یک‌بار با شوهرش آزاد رفته و برگشته اما این بار می‌خواهد به تنهایی برود. فضا خالی است و باید بازیگر روایت کند خودش را، تنهایی‌اش را، دلتنگی‌اش را، آمدودش‌دش را، اهدافش را و آرمان‌هایش را. او با بر صندلی می‌نشیند یا سرپا می‌ایستد یا حرکت می‌کند. آنها کفش‌های سرخ و سیاه به پا کرده‌اند. لباس سفید بر تن دارند، یکی شال قرمز و دیگری شال نارنجی بر سر کرده است. ایشان با این نشانه‌های رنگی، بخشی از هویت و اهدافشان را نمایان می‌کنند. سفیدجامه‌اند یا این دلیل ساده که چون عیب و ایرادی ندارند و در باریکه خواست‌های درونی‌شان گرفتارند. نه مال مردم خوانرد و نه مردم‌آزار، بلکه هر دو به دنبال یک هوای تازه می‌گردند. هواکش (فن) بارها برای جاهد و شریف روشن می‌شود. صدای آن برایشان حکم موسیقی را دارد و آنان حتی تماشاگران را به شنیدن این موسیقی دعوت می‌کنند. کارشان هم بازآفرینی یک هوای تازه و سالم است از آن حال‌و‌ه‌وای دل‌گرفتگی، بنابراین این نقش‌آفرینی هم برایشان بسیار زیباست که در این فضا بتوانند حضور پررنگی براساس حضور تأثیرگذارشان داشته باشند.



این دو ریحانه به موازات هم روی داستان‌های خویش هستند. آقای گل‌بهاری، وکیل است که به دنبال راست و ریس‌کردن کارهایشان هست و برای همین هم در جاهایی از نمایش، صدایش (فرهاد آیش) را می‌شنویم که آنان را امیدوار می‌کند که با زندگی کنار بیایند. این مرد دالتی بر یک پدر مهربان می‌کند که به دخترهایش امیدواری می‌دهد که برای زندگی حضورشان پررنگ باشد. در این صحنه خالی اشیایی مانند چمدان و شال‌های رنگی، کیف دستی و کیفی بر از چرتکه‌های رنگی و چرتکه‌های ریخته از سقف نشانه‌های درخور تأملی می‌شوند که هر کدام تصویر و نشانه‌ای در این وضعیت خواهد شد که بتوان درکی درست‌تر از حال و هوای کار داشت. به هر روی فضاسازی در آن یک رکن است و برای این منظور رنگ‌ها و چیدمان و نوع حضور اشیای بسیار مؤثر است. شال‌های رنگی، حال‌و‌ه‌وای رنگارنگ این دو را نمایان می‌کند که دوست دارند در تنوعی از رفتارها و فعل و انفعالات خود را بیازمایند. چرتکه‌های رنگی حال‌و‌ه‌وای دیگری است و باید در جایی دلخواه بتواند در سکوت و تمرکز بفایند. مادرانگی هم چنین وضعی را ی‌آدآوری می‌کند. به هر تقدیر او به آرامش و رفا اجتماعی، روحی و روانی نیاز دارد. مهدی مشهور، کارگردان حرکت‌نگاری است و دوست‌دارند در لافقه حرف بزند و در روی صحنه مقاصدش را آشکار کند. در این فضا کلمات مهم نقش مؤثری دارند، برخلاف کارهای پیشین این کارگردان نوجو که دیده‌ایم، کلمات تبدیل به دو متن همسو می‌شود و ما دو روایت یا تک‌گویی را می‌شنویم و البته هنوز هم اصالت رفتاری و حرکت‌نگاری در آن جزئی یابداز را نمایش شده است و همچنان می‌بینیم که این حرکات در پوشیدن کت و درآوردنش، قدم‌زدن‌های متونع با کفش‌های سرخ و سیاه، نشست و برخاست‌های بی‌کدار، پخش ویلاکاردن شال‌ها، حمل چمدان سرخ، حمل چرتکه‌ها به جای نوزاد در کیف بسته‌شده بر شکم و نمونه‌هایی از این دست به اجرا سمت‌وسوی بهتری می‌بخشد. اگر بپذیریم که کلمات ادبیات را در اجرا نمایندگی می‌کنند باید آذعان داشت که با این حرکت‌ها این ادبیات شکل عوض می‌کند و زبان اجرا عناصر دیداری را بر کلیت آن چیره می‌کند. رمز موفقیت مهدی مشهور هم در نوع مواجهه با متن است که در تقابل با کلمات راه بهتری را خواهد جست.

مس‌نگار میزبان

«آرایه‌های دوستی»

شرق: گالری مس‌نگار در ادامه برنامه همیشگی‌اش برای ماندگارسازی گونه‌های مختلف هنرهای ایران، این‌بار نمایشگاهی با عنوان «آرایه‌های دوستی» را با عنوان «آرایه‌های دوستی» برپامون هنر طراحی و ساخت زیورآلات برپا خواهد کرد. در این نمایشگاه هفت‌روزه که از پنجشنبه بیست‌وهشتم آبان افتتاح شده، زیورآلات طراحی‌شده و دست‌ساخته گروه «نقره‌های خیال» به نمایش گذاشته خواهد شد. نمایشگاه گروهی «آرایه‌های دوستی» دهمین نمایشگاه آثار گروه نقره‌های خیال است که هنر ساخت زیورآلات را با تکنیک آرت‌کلی انجام می‌دهند.